

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

بهرام رحمانی
۲۳ اگست ۲۰۲۰

آیا انقلاب دیگری در راه است؟

انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران آخرین انقلاب کلاسیک جهان بود. روشن است که در هر انقلابی گرایش‌های مختلف سیاسی از راست‌ترین و تا چپ‌ترین شرکت می‌کنند تا مردم را به دنبال اهداف و سیاست‌های خود ببرند. اما این انقلاب اشکالات و کمبودهای زیادی داشت که یکی از مهم‌ترین اشکالات آن عدم مرزبندی گرایش‌های چپ از گرایش‌های راست به‌ویژه ملی - مذهبی بود. در یک کلام مرزهای طبقاتی نه تنها شفاف نبود، بلکه بسیار هم مخدوش و توهم‌برانگیز بود.

در عین حال این انقلاب خواست‌ها و مطالبات طبقاتی و آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی کم نداشت و به‌همین دلیل جامعه ما دست‌کم سه سال پس از انقلاب ۵۷، شاهد درگیری‌های شدیدی بین نیروهای چپ با گرایش‌های ملی - مذهبی در سراسر کشور بود. سرانجام گرایش مذهبی به رهبری روح‌الله خمینی و توهم به مذهب با همراهی توده‌های مذهبی و با دنباله‌روی و همکاری برخی جریان‌های چپ همچون حزب توده و بعدها فدائیان اکثریت، انقلاب مردم ایران را به انحراف کشاندند و به مسیری سانسور و سرکوب و اعدام و فلاکت اقتصادی انداختند که تا به امروز ادامه دارد. در یک کلام حکومت اسلامی در این بیش از چهار دهه حاکمیت خود، جز سی‌و‌هشت روزی، فاجعه، سرکوب، کشتار، جنگ، ترور و ... هیچ خدمتی برای مردم ایران نکرده است.

حکومت اسلامی ایران، در ردیف خشن‌ترین و وحشی‌ترین حکومت‌های جهان همچون حکومت آلمان نازی است که سران و مقامات آن در چهل سال گذشته، هیچ منطق انسانی سرشان نشده و بعد از این نیز نخواهد شد. زبان سران و مقامات حکومت اسلامی ایران، زبان تهدید و ترور، سرکوب و سانسور، شکنجه و اعدام، غارت و استثمار است.

از آغاز پیدایش دولت‌ها در حدود ۵۰۰۰ سال پیش، فعالیت‌های نظامی در بیش‌تر جهان بشری به وقوع پیوسته است. ورود باروت و سرعت گرفتن روند توسعه فناوری‌های نظامی باعث ایجاد جنگاوری نوین شد. کانوی هندرسون در کتاب خود می‌نویسد: «یک منبع مدعی است که بین سال‌های ۳۵۰۰ پیش از میلاد تا اواخر سده ۲۰ میلادی حدود ۱۴۵۰۰ جنگ رخ داده و ۵/۳ میلیارد نفر بر اثر آن‌ها جان خود را از دست داده‌اند و فقط ۳۰۰ سال از تاریخ بشر در صلح به سر رفته است.»

تخمین‌هایی که برای تلفات جنگ جهانی دوم زده می‌شود متنوع است اما بسیاری بر این باورند که ۶۰ میلیون نفر بر اثر این جنگ جان باخته‌اند. از میان آن‌ها ۲۰ میلیون نفر سرباز و ۴۰ میلیون نفر شهروند غیرنظامی بوده‌اند. اتحاد جماهیر شوروی، ۲۷ میلیون نفر را در جریان جنگ از دست داد که این میزان تقریباً به اندازه نیمی از کشتگان این

جنگ است. از آنجا که بسیاری از کشتگان را افراد جوان تشکیل می‌دادند، جمعیت پس از جنگ شوروی، ۴۵ تا ۵۰ میلیون نفر کمتر از چیزی بود قبل از جنگ برای آن سال‌ها تخمین زده می‌شد. بیشترین آمار مرگ و میر در یک شهر معادل یک میلیون و دویست هزار نفر در جریان محاصره ۸۷۲ روزه لنین‌گرا بود.

جنگ خانمانسوز ایران و عراق نیز یکی از خونین‌ترین و طولانی‌ترین جنگ‌های عصر حاضر بوده است. جدا از این که چه کسی عامل اصلی و آغازکننده این جنگ بود اما تمام جهان می‌دانند که دولت عراق از سال دوم جنگ خواهان صلح بود. حتی کشورهای عربی اعلام آمادگی کردند که به ایران خسارت بپردازند. اما خمینی با شعار «جنگ جنگ تا پیروزی»، «راه قدس از کربلا می‌گذرد» و... عامل اصلی تداوم این جنگ بود.

خمینی، به محض این که پایش به ایران رسید همه آن وعده‌هایی که در عرصه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در گفت‌وگو با رسانه‌ها به مردم ایران داده بود، نه تنها به‌طور کلی کنار گذاشت، بلکه شمشیر اسلامی خود را از رو بست تا هر کسی آهنگ مخالف و یا حتی منتقد بزند سرش را از تنتش جدا کند. او، آیت‌الله صادق خلخالی را که جنون آدم‌کشی داشت مأمور اعدام مخالفین کرد. خلخالی نخست تعدادی از سران و مقامات حکومت پهلوی را اعدام کرد و سپس با برپایی دادگاه‌های صحرایی در همه جای ایران، مخالفین را در دادگاه‌های دو سه دقیقه‌ای به اعدام محکوم کرد و بلافاصله مأموران همراه او، قربانیان خود را فردی و جمعی اعدام کردند. علاوه بر این خمینی‌ها، خمینی فتوای ترور مخالفین در داخل و خارج کشور را صادر کرد. فتواها جنایت‌کارانه خمینی، تمامی نداشت همچون فتوا علیه زنان بی‌حجاب و اجباری کردن حجاب اسلامی، فتوا علیه مردم کردستان، آذربایجان، خوزستان، ترکمن صحرا، بلوچستان، فتوای بستن دانشگاه‌ها، پافشاری در ادامه جنگ ایران و عراق، فتوای کشتار هزاران زندانی سیاسی در پایان جنگ ایران و عراق، فتوای ترور سلمان رشدی و...

جنگ خونین، فرسایشی و ویرانگر ایران و عراق از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ طول کشید که با پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ پایان رسید. واقعیت این است که حکومت اسلامی ایران، به هیچ‌وجه قصد پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ و پایان دادن به جنگ با عراق در آن مقطع زمانی نداشت. قطع‌نامه ۵۹۸ حدود یک سال پیش از پذیرش آن توسط ایران، در شورای امنیت سازمان ملل متحد، به تصویب رسیده بود و عراق نیز بلافاصله آن را پذیرفته بود. اما در همین مقطع (یک سال پیش از پذیرش قطع‌نامه) شرایط برای نیروهای ایرانی که جنگ را به داخل قلمرو عراق کشانده بودند و شهرهای بزرگی چون بصره را در عراق در تیررس حتی سلاح‌های کوچک خود داشتند، متفاوت شد.

آمار رسمی ایران سال ۱۳۹۳ از سوی «بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس» منتشر شد. بر اساس این گزارش، ۵ میلیون ایرانی در جنگ شرکت داشتند که ۱۹۰ هزار نفر کشته و ۶۷۲ هزار نفر مجروح شدند.

جنگ هشت ساله ایران و عراق در ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ شروع شد و در تابستان سال ۱۳۶۷ بعد از پذیرفتن قطع‌نامه سازمان ملل از سوی ایران به پایان رسید. بر اساس آمار رسمی ایران، ۲۱۷ هزار نیروی ارتش، ۲ میلیون و ۱۳۰ هزار نیروی بسیج به‌همراه ۲۰۰ هزار نیروی سپاه، شهربانی و ژاندارمری در جنگ ۸ ساله شرکت داشتند.

بنابر گزارش «بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس»، که بعد از پایان جنگ با عراق تشکیل شده و زیر نظر ستاد کل نیروهای مسلح ایران قرار دارد، در جنگ هشت ساله با عراق ۸۵ هزار بسیجی و ۴۸ هزار ارتشی کشته شدند.

در این جنگ بیش از ۳۳ هزار دانش‌آموز و بیش از سه هزار و ۵۰۰ دانشجو نیز کشته شدند. در میان کشته‌شدگان جنگ، سه هزار و ۳۱۷ روحانی بودند. در دوره جنگ هشت ساله با عراق ۸۸ مسیحی، ۱۸ کلیمی و ۹ زرتشتی نیز

در جنگ با عراق کشته شدند. علاوه بر این، ۲ هزار تبعه غیر ایرانی نیز در جنگ هشت ساله کشته شدند که همراه با نیروهای ایرانی می‌جنگیدند.

آمار کسانی که در جنگ مجروح شدند، ۶۷۲ هزار نفر بوده است و ۴۲ هزار نفر از نیروهای ایرانی هم که به اسارت نیروهای عراقی درآمده بودند بعد از جنگ آزاد شدند.

پس از پایان جنگ، سازمان ملل متحد میزان خسارت وارد شده به ایران را حدود ۲۰۰ میلیارد دلار برآورد کرده بود که عراق با این رقم خسارت موافقت نکرد و در نهایت با کارشناسی‌های انجام شده میزان نهایی خسارت وارده به ایران ۹۷ میلیارد دلار تعیین شد.

به این ترتیب، یکی از ارمغان‌های حکومت اسلامی به مردم ایران و عراق، این جنگ ویرانگر و هولناک بود. نقش آیت‌الله خمینی در تحریک دولت وقت عراق و با شعار «صدور انقلاب» و «پان اسلامیس» در آغاز جنگ بسیار برجسته بوده است. آیت‌الله خمینی به دلایل متعددی انگیزه بالایی برای دعوت به راهاندازی «انقلاب اسلامی» در عراق داشت. از دید او، انقلاب بهمن ۵۷ در ایران با انگیزه اسلامی انجام شده و محدود به مرزهای ایران نبود. در حالی که این انقلاب مردمی نه برای اسلام، بلکه برای «نان مسکن آزادی بود!» خمینی در اندیشه بسط گفتمان «انقلاب اسلامی» به کل جهان اسلام و احیای خلافت اسلامی بود. در این مسیر عراق را به دلیل حضور قوی مراجع شیعه نزدیکترین کشور به ایران می‌دانست. از این‌رو، خمینی سعی کرد تا شیعیان عراقی را برای تکرار تجربه «حکومت اسلامی» تشویق نماید. در عین حال، خمینی از نظر شخصی نیز، همواره به فکر انتقام از حکومت عراق و شخص صدام حسین بود که او را از آن کشور اخراج کرده بودند.

خمینی رسماً و علناً جنگ را به‌عنوان یک «نعمت الهی» برای مردم، تلقی کرد تا مردم را برای یک بسیج آماده کند و در عین حال در فضای جنگی، مخالفین خود و جنبش‌های اجتماعی که از دل انقلاب بیرون آمده بودند و در مقابل حاکمیت اسلامی جدید مقاومت می‌کردند را شدیداً قلع و قمع کند.

خمینی پس امضای قطع‌نامه ۵۹۸ سازمان ملل و آتش‌بس، برای این که از خیزش‌های احتمالی جلوگیری کند نخست فتوای کشتار زندانیان سیاسی را صادر کرد و سپس فتوای ترور سلمان رشدی نویسنده کتاب «آیان شیطانی» در بریتانیا و...

در «کشتار مخفیانه» یا «اعدام‌های جمعی زندانیان سیاسی» در زندان‌های حکومت اسلامی ایران در تابستان و پاییز ۱۳۶۷، چندین هزار تن زندانی که پایان دوران محکومیت اعلام شده خود را می‌گذرانند، حتی برخی از آنان مدت محکومیت‌شان روزها و ماه‌ها قبل به پایان رسیده بود، به کام مرگ فرستاده شدند.

پرواند ابراهامیان، پژوهش‌گر ایرانی‌تبار و استاد تاریخ دانشگاه نیویورک، در نشریه «مهرگان» شماره تابستان ۱۳۷۷، یعنی ده سال پس از واقعه، کشتار زندانیان سیاسی را این‌گونه ریشه‌یابی کرده است: «شگفت‌آورترین رویداد ایران امروز در تابستان ۱۳۶۷ اتفاق افتاد. برای نخستین بار در ایران صدها نفر برای این که به خدا، جهان پس از مرگ و رستاخیز اعتقاد ندارند، اعدام شدند و حتی شمار بزرگتری به نام محارب با خدا پای چوبه‌های دار رفتند.»

بر اساس نوشته‌های این پژوهش‌گر، «این اعدام‌های مخفیانه با فتوای پر سر و صدایی در محکوم ساختن سلمان رشدی به جرم ارتداد مقارن بود. پاسخ واقعی در مورد اعدام‌های جمعی را باید در فعل و انفعالات درون حکومت جست‌وجو کرد. با پذیرش آتش‌بس، آیت‌الله خمینی ناگهان دریافت ریسمان پربهایی را که به وسیله آن گروه‌های ناهمگون پیروان او با هم پیوند یافته بودند، از دست داده است.»

به گفته آبراهامیان، به منظور تحکیم مبانی وحدت در دستگاه حاکم، آیت الله خمینی سیاست دو سویه‌ای را طراحی کرد که یک وجه آن فتوای اعدام سلمان رشدی و وجه دیگرش همین اعدام‌ها بود.

وی می‌نویسد: «این همه خونریزی با این هدف برپا شد که هم یک غسل خون باشد و هم یک پاکسازی درونی. این هدف با مجبور شدن آیت الله منتظری به استعفا به عنوان جانشین آیت الله خمینی به تحقق پیوست.» اما خانواده‌های زندانیان اعدام شده تا ماه‌ها در بی‌خبری به سر می‌بردند. ملاقات با زندانیان قطع شده بود و گاه به خانواده‌هایی که پافشاری می‌کردند، گفته می‌شد زندانی آنان به زندان دیگری منتقل شده است و تا اطلاع ثانوی ملاقات ندارد.

بازماندگان کشتار مخفیانه و جمعی سال ۱۳۶۷، دهه‌هاست که در شهریورماه، در گورستان خاوران تهران و در شهرستان‌ها در خانه‌های یکدیگر گرد می‌آیند تا سوگواری کنند و یاد عزیزان‌شان را گرامی بدارند. در حالی که بسیاری از آنان از محل خاکسپاری دقیق عزیز خود آگاهی ندارند و از همان نخستین سال‌گرد این اعدام‌های جمعی با تهدید و آزار و گاه دستگیری و بازداشت روبه‌رو بوده‌اند.

خمینی، پس از فتوای اعدام دسته‌جمعی هزاران زندانی سیاسی، همچنین فتوای قتل سلمان رشدی نویسنده کتاب «آیات شیطانی» شهروند هندی - بریتانیایی را نیز صادر کرد. بی‌تردید یکی از اهداف خمینی در جهت صدور فتوای ترور سلمان رشدی، زهرچشم گرفتن از نویسندگان، روزنامه‌نگاران، هنرمندان و به‌طور کلی روشنفکران سکولار و مستقل جامعه ایران بود که جرات اعتراض و انتقاد از او و حکومت‌اش را نداشته باشند.

به این ترتیب، دهه نخست حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، دهه وحشت و ترور و اعدام و سنگسار و تجاوز و غارت بود. دوره‌ای که همه عناصر ریز و درشت و همه جناح‌های حکومتی در سرکوب انقلاب ۵۷ مردم ایران و کشتارها و ویرانگری‌ها سهیم بودند. همچنین از این دهه تا به امروز، صدها تن فعال سیاسی و فرهنگی و هنری در داخل ایران و خارج کشور توسط جوخه‌های ترور حکومت اسلامی به قتل رسیده‌اند.

اقتصاد و فساد اقتصادی، گرانی و تورم، فقر و بیکاری و صدها فجایع دیگر از جمله فاجعه عظیم زیست محیطی، از مهم‌ترین دستاوردها و ارمغان‌های حکومت اسلامی برای جامعه ایران است. اکنون سیاست‌ها و عملکردهای تآکونی این حکومت، اکثریت شهروندان جامعه ایران را به خاک سیاه نشانده و زمینه را برای بروز فجایع بزرگتر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی داخلی و خارجی فراهم کرده است.

فساد اقتصادی در همه نهادهای حکومت اسلامی از بیت رهبری گرفته تا همه قوا و نهادهای سیاسی و نظامی و امنیتی ریز و درشت آن را در برگرفته و هیچ مقام و عنصر حکومتی و اطرافیان و نزدیکان آن‌ها از این فساد، مبرا نیستند. شاید به همین دلیل، هیچ مقام و نهاد حکومتی جرات ندارد مفسدین را به‌طور علنی و جدی به جامعه معرفی کنند و به پای میز محاکمه بکشانند. آن‌ها فقط در لفافه و در رقابت با هم و سهم بردن از سفره خونین، گاهی به فساد نهاده شده در حکومت‌شان اشاره و اقرار می‌کنند بدون این که اقدام جدی در پشت این سخنان آن‌ها وجود داشته باشد.

به گزارش رسانه‌های حکومتی، دکتر مسعود مردانی عضو کمیته کشوری کرونا در ایران، در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به احتمال شیوع شدیدتر کرونا در فصل پاییز و تبعات هم‌زمانی آن با آنفلوآنزای فصلی، گفت: بروز موارد آنفلوآنزا همه ساله در شروع فصل سرد سال اجتناب ناپذیر بوده ولی پاییز امسال با سایر پاییزها تفاوت عمده‌ای دارد، چرا که تمام دنیا درگیر بیماری نوپدید کوید ۱۹ است.

او با اشاره به اهداف اپیدمیولوژیک تست‌های سرولوژی گفت: برای آگاهی از درصد ابتلای افراد یک منطقه به کرونا، از این تست استفاده می‌شود که در همین راستا در ایران نیز این تست به صورت رندوم انجام شده و متوجه شدیم که تا الان ۱۸ میلیون ایرانی یعنی حدود ۲۰ درصد جمعیت کشور به این بیماری مبتلا شده‌اند. کیانوش جهانپور، رییس سابق مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت، اسفند ماه گذشته، در واکنش به انتقاداتی که به غیر شفاف بودن آمارها شده بود، گفته بود: «اصرار نداریم افراد آمارهای روزانه‌ای که ارایه می‌دهیم را باور کنند.»

سیما سادات لاری، سخنگوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دوشنبه ۱۶ تیر اعلام کرد در ۲۴ ساعت گذشته بر اساس معیارهای قطعی تشخیص بیماری کوید ۱۹، دو هزار و ۶۱۳ نفر به این بیماری مبتلا شده‌اند. نیمی از این بیماران به دلیل مشکلات تنفسی در بیمارستان‌های کشور بستری شده‌اند. بر همین اساس در مجموع از آغاز همه‌گیری ویروس کرونا در ایران تعداد مبتلایان به کوید ۱۹ به ۲۴۳ هزار و ۵۱ نفر رسیده است.

بر اساس گزارش سخنگوی وزارت بهداشت در طول ۲۴ ساعت گذشته، ۱۶۰ بیمار کووید ۱۹ جان خود را از دست دادند و مجموع جان باختگان این بیماری به ۱۱ هزار و ۷۳۱ نفر رسید. روز گذشته این تعداد ۱۶۳ نفر بود که به عنوان «مرگبارترین روز» به ثبت رسید.

این آمارها صرفاً بیانگر کسانی است که ابتلای قطعی آن‌ها به کووید ۱۹ اثبات شده. محمدعلی محسنی نماینده چالوس و نوشهر در مجلس در مصاحبه با «رویداد ۲۴» گفته است:

«ما در برخی از روزها ۳۰۰ کشته نیز از کرونا داشتیم و اگر می‌بینید آمارهای اعلام شده از سوی وزارت بهداشت پایین‌تر است به‌خاطر این است که آمارها از افرادی است که در بیمارستان‌ها بستری و سپس جان خود را از دست دادند، اما کسانی که در منزل و یا در مسیر انتقال به بیمارستان فوت شدند در این آمارها حساب نشده‌اند.»

برخی منابع مستقل خبری داخلی و خارجی و حتی مقامات حکومت اسلامی از جمله چند نماینده مجلس خبر داده‌اند که شمار مبتلایان و جان‌باختگان ناشی از کرونا در ایران بسیار بیش‌تر از آمارهای رسمی است.

جامعه ما از کارگران هفت‌تپه گرفته تا کانون بازنشستگان، از کانون نویسندگان گرفته تا کانون معلمان، و به‌طور کلی جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی، جنبش زیست محیطی و غیره خواست‌ها و مطالبات فراوانی دارند از جمله افزایش دستمزدها، آزادی بیان و اندیشه برای همگان، آزادی سازمان‌ها و تشکلهای مستقل، برابری زن و مرد، تامین زندگی و آموزش و بهداشت کودکان کار و خیابان، توجه به زندگی شایسته بازنشستگان و آزادی همه زندانیان سیاسی و اجتماعی است. به‌علاوه در وضعیتی کنونی کلیه خدمات بهداشتی در پیشگیری از کرونا به ویژه ماسک باید به‌طور رایگان در اختیار همه شهروندان قرار داده شود. همچنین معرفی عامرین و عاملان کشتار معترضی به افزایش سه برابری بنزین در خیابان‌ها و محاکمه علنی آن‌ها و...

اکنون کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه جنبش کارگری را نمایندگی می‌کنند. هفته‌ها از آغاز اعتصاب کارگران نیشکر هفت‌تپه می‌گذرد، اما کسی پاسخگوی مطالبات آن‌ها نیست. کارگران روز دوشنبه ۱۶ تیر پس از تجمع مقابل فرمانداری شوش، با شعار «کارگر هفت‌تپه‌ایم، گرسنه‌ایم، گرسنه» در خیابان‌های شهر راهپیمایی کردند.

دور تازه اعتصاب از ۲۶ خرداد ۹۹ آغاز شده است و همچنان ادامه دارد. کارگران که از ابتدای سال جاری حقوق نگرفته‌اند، خواستار پرداخت مطالبات معوقه، بازگشت به کار کارگران اخراجی، خلع ید از مالکان فعلی شرکت و بخش خصوصی و واگذاری آن به خود کارگران هستند تا به شیوه شورایی آن را اداره کنند.

مدیرعامل شرکت امید اسدبیگی، متهم ردیف اول یک پرونده اختلاس یک و نیم میلیارد دالری ارز است. او به بهانه مسدود بودن حساب‌های شرکت از پرداخت حقوق کارگران خودداری می‌کند. اما قاضی پرونده معتقد است اسدبیگی قصد دارد با گروگان گرفتن حقوق کارگران، دادگاه را تحت فشار بگذارد. کارگران نیز می‌گویند اسدبیگی آن‌ها را به سپر انسانی خود تبدیل کرده است.

پنج‌شنبه هفته گذشته در هجدهمین روز اعتصاب، خبر پرداخت حقوق فروردین ماه کارگران اعلام شد، اما تنها حقوق چند صد نفر پرداخت شد. اکثر کارگران هنوز حقوق فروردین را دریافت نکرده‌اند. دوشنبه ۱۶ تیر خبرگزاری دولتی جمهوری اسلامی (ایرنا) به نقل از حسین آمیلی نماینده تام‌الاختیار شرکت نیشکر هفت‌تپه، وعده داد حقوق فروردین کارگران سه‌شنبه واریز می‌شود.

یکی از کارگران در تجمع امروز مقابل فرمانداری طی سخنانی گفت آن‌ها برای کسب مطالبات خود مصمم‌اند. او گفت: «به ما کارگران معترض می‌گویند که اوباشیم. متاسفم برای مملکتی که بر فرزندان خودش اسم اوباش می‌گذارد. ما اوباش نیستیم! ما کارگریم! دنبال مطالبات‌مان هستیم، گردن مقابل کسی خم نمی‌کنیم و نیشکر هفت‌تپه را با چنگ و دندان حفظ می‌کنیم.»

علاوه بر مشکلات معیشتی که تاخیر در پرداخت دستمزدها برای کارگران و خانواده‌های آن‌ها ایجاد کرده، آن‌ها با کرونا نیز دست و پنجه نرم می‌کنند. خوزستان از استان‌هایی است که از لحاظ گستردگی شیوع کرونا در وضعیت قرمز قرار دارد. پیش از اعتصاب نیز کرونا در نیشکر هفت‌تپه شیوع پیدا کرده و تعدادی از کارگران به کوید ۱۹ مبتلا و حدود ۴۰ تن از آن‌ها قرنطینه‌اند.

به‌گزارش کانال‌های خبری کارگران نیشکر هفت‌تپه در تلگرام، در حین اعتصاب نیز تعدادی کارگر از جمله دو نماینده کارگران، به بیماری کوید ۱۹ مبتلا شده‌اند. اما کارگران به ناگزیر با مایه گذاشتن از جان خود اعتصاب، تجمع و راهپیمایی می‌کنند.

آن‌ها در هجدهمین روز اعتصاب شعار می‌دادند: «کارگر هفت‌تپه، اتحاد اتحاد»، «کارگر می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد»، «به اختلاس کم بشه، مشکل ما حل می‌شه»، «استاندار رشوه‌ای نمی‌خوایم، نمی‌خوایم»، و «مرگ بر روحانی» و... اسماعیل بخشی و برخی دیگر از نمایندگان کارگران که در اعتصاب‌های گذشته نقش برجسته‌ای داشتند با تشکیل پرونده‌ی قضایی- امنیتی محاکمه و زندانی شدند. اسماعیل بخشی و محمد خنیفر از زندان آزاد شده‌اند اما مدیران هفت‌تپه آن‌ها را به‌همراه تعدادی دیگر از کار اخراج کرده‌اند. کارفرما و دستگاه‌های امنیتی که از توانایی و محبوبیت این کارگران در میان همکاران‌شان باخبرند، می‌کوشند با دور نگه‌داشتن این کارگران از شرکت، راه مبارزات کارگری را سد کنند.

در شرایطی که دستمزد ناچیز کارگران را به موقع پرداخت نمی‌گردد و برای گرفتن حق خود باید اعتصاب کنند و زندان بروند، حقوق و مزایای نمایندگان مجلس شورای اسلامی بسیار بالاست. حسین جلالی، نماینده رفسنجان و انار در مجلس یازدهم گفت: «اولین حقوق نمایندگی ۱۱ میلیون تومان واریز شده به‌علاوه ۲۰۰ میلیون تومان بابت مسکن و ۲۰ میلیون تومان هم برای سایر هزینه‌ها به حساب ما واریز شد.» جلالی به ایسنا گفته است که خانه‌ای ۲۲۵ متری در قم و همچنین قطعه زمینی در پردیس‌ان این شهر دارد. مجموع پرداختی به یک نماینده مجلس از دو بخش تشکیل می‌شود. یکی حقوق ماهانه یکی دیگر حقوق ماهانه برای سایر هزینه‌ها. پیش از این رسانه‌های ایران اعلام کرده بودند که حقوق ماهانه سال گذشته نمایندگان مجلس ۹ میلیون و ۲۸۰ هزار تومان بود و امسال، میزان حقوق ماهانه مجلسی‌ها به ۱۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان رسیده است. بر این اساس، همچنین هر نماینده ماهانه مبلغ دو میلیون و ۲۰۰ هزار تومان

برای هزینه‌های ایاب و ذهاب خود دریافت می‌کند. این به جز یک دستگاه خودروی پژو پارس و سهمیه بنزینی است که در اختیار تمامی نمایندگان مجلس برای رفت‌وآمد قرار داده شده است. با این حال شناسایی میزان حقوق نمایندگان مجلس در ایران همواره دشوار بوده است، اگر چه مبلغ ۲۳۱ میلیون تومان حقوق ماهانه دور از گمانه‌زنی‌هاست.

محمد شریعتمداری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام کرد: حداقل دستمزد کارگران در سال ۱۳۹۹ یک میلیون و ۸۳۵ هزار تومان تعیین شد. شریعتمداری با بیان این‌که با توجه به ترکیب شورای عالی کار، افزایش پایه حقوق کارگران ۲۱ درصد تصویب شد، افزود: برای سایر سطوح دستمزدی افزایش ۱۵ درصدی تصویب و ۹۱ هزار تومان به آن اضافه شد. همچنین حداقل دریافتی کارگر ۲ میلیون و ۶۰۵ هزار و ۴۲۷ تومان است.

سپیده فلیان حامی کارگران را دوباره زندان کرده‌اند. سپیده فلیان، فعال مدنی و یکی از محکومان پرونده اعتراضات کارگری «هفت‌تپه» که اکنون زندانی شده است. اخیراً از زندان نوشته است: از ساعت ۱۲ ظهر تا ۱۰ شب زیر کتک بودیم. حس می‌کردم دیگر زنده نخواهم ماند. وحشت اصلاً برای بیان حس و حال کافی نیست. احساس می‌کنم مایع داغی از بدنم خارج می‌شود. لال لال. حتی وقتی کتک می‌زنند، نمی‌توانم ناله کنم. مطمئنم «اسماعیل» را خواهند کشت و این سیاهی دیگر تمامی نخواهد داشت. از یک راه سربالایی‌مانند بالا می‌رویم، کمی بعد ماشین می‌ایستد. از روی صداها متوجه می‌شوم که اسماعیل را روی زمین می‌کشند و می‌برند. مرده است؟ من مرده‌ام؟ یک‌دفعه به سمت حمله می‌کنند و دوباره کتک می‌زنند. از ماشین پیاده می‌شوم. سرم داد می‌زنند که: «ماشین را با خونت نجس کردی!» بعد مرا با تکه مقوایی که به دستم می‌دهند، به سمت دیگری هدایت می‌کنند. چشم‌بند دارم و درست نمی‌توانم راه را تشخیص بدهم. فقط این را می‌دانم که از یک سرایشی مرا می‌برند به سمت یک اتاقک.

می‌لرزم و التماس می‌کنم تا یک زن بیاید اما فریادها جواب می‌دهند: «زن چرا؟ تو این‌جا می‌میری!» و....

در پایان می‌توان تاکید کرد که فقر و بیکاری و بی‌خانمانی و سرکوب در جامعه ایران غوغا می‌کند و دولت و سایر نهادهای حکومتی به کوچکترین وظایف خود عمل نمی‌کنند جز زورگویی و قلدری و غارت.

اکنون نه تنها اکثریت مردم ایران، بلکه مردم آگاه جهان، کلیت حکومت اسلامی ایران و همه دم و دستگاه سیاسی، نظامی، امنیتی، قضایی، ایدئولوژیکی و رسانه‌هایش را به‌عنوان نهادهای ترور، وحشت، شکنجه، اعدام، جنگ‌طلب، فاسد و فاشیست اسلامی می‌شناسند و به‌همین دلایل، برای برکناری آن و برپایی یک جامعه عادلانه، آزاد، برابر و مرفه مبارزه و روزشماری می‌کنند.

شکی نیست که این وضعیت چندان دوام نخواهد آورد و دیر و یا زود انفجار بزرگ اعتراضی در جامعه ایران به وقوع خواهد پیوست. چرا که کارد به استخوان مردم رسیده است.

حکومت اسلامی ایران، دشمن درجه یک آزادی‌های فردی و جمعی، آزادی اندیشه آزادی تشکل و اعتصاب و دشمن عشق و دوستی، شادی و سرور، بهار و شکوفایی طبیعت است. حکومت اسلامی ایران، نماد و سنبل تاریکی و بیداد و بربریت است.

با در نظر گرفتن کلیه سیاست‌ها و عملکردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و دیپلماسی حکومت اسلامی، می‌توان پیش‌بینی کرد که انقلاب دیگری در راه است!

منبع:

دفتر یادبود جان‌باختگان دهه شصت با ده‌ها مطلب ویژه ۱۳۹۹

دوستان و رفقای عزیز

این دفتر حاصل زحمات ده‌ها نویسنده و شاعر و هنرمند است. در صورت امکان فضای بازتاب آن را بیش‌تر نمائید از آن‌جائی که حجم آن نسبت به مطالب روتین بیش‌تر است و اگر مایل بودید لینک مستقیم به گزارشگران دهید. رسانه‌هایی که این زحمت را تقبل می‌کنند از طریق گزارشگران و در زیر نویس همین مطلب همان‌طور که تا کنون لیست خواهند شد.

سپاس بیکران از شما عزیزان که بیدار و یاد جان‌باختگان را نه فراموش کرده‌اید و نه می‌بخشید. دوستانی که این دفتر را دریافت می‌کنند لطفا در رسانه‌های خود و در فیس‌بوک‌ها و تلگرام و سایر امکانات خود بازتاب دهند

با تشکر ویژه

بهرز سوزن

سایت گزارشگران

[گزارشگران: رو نمایی از دفتر مجازی یاد بود جانباختگان و قربانیان راه آزادی و برابری! چهره ها و خاطره ها](#)